

رابطه ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی
با هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم
مقطع متوسطه دیرستان های تبریز

دکتر داوود حسینی نسب^۱

شروین محمدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه ویژگی های شخصیت و سلامت روانشناختی با هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه دیرستانهای تبریز صورت گرفته است. در این تحقیق آمارای عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر تبریز که در سال تحصیلی ۱۳۸۸ مشغول تحصیل می باشند. انتخاب نمونه به روش نمونه گیری تصادفی در سه مرحله ای و به تعداد ۱۷۷ نفر صورت گرفت. ابزار اندازه گیری شامل پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)، پرسشنامه شخصیتی نئوفرمن کوتاه (NEO-FFI) و مقیاس هوش هیجانی پیرایشرینگ بود. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون صورت گرفت. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی با سلامت روانی همبستگی مثبت ۰/۷۷، با وجدان بودن ۰/۳۸، برونگرایی ۰/۲۷ و نوروژ گرایمی همبستگی منفی معنی دار ۰/۷۵ وجود داشت ($P < ۰/۰۰۱$). نوروژ گرایمی، سلامت روانی و با وجدان بودن مجموعاً ۰/۶۲ درصد از واریانس هوش هیجانی را تبیین می کنند. بنظر می رسد توجه به ویژگی های شخصیتی نوروژ گرایمی و با وجدان بودن به همراه سلامت روانی در رسیدن به اهداف

۱- استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی

درمانی و مداخلات رفتاری جهت ارتقاء هوش هیجانی دانش آموزان دختر متوسطه مفید می باشد.

کلمات کلیدی: ویژگی های شخصیتی، سلامت روانی، هوش هیجانی، دانش آموز دختر.

مقدمه

برخی از متخصصان، هوش را توانایی حل مساله می دانند. عده ای دیگر، آن را توانایی انطباق و یادگیری بر اساس تجارب روزمره می دانند. عده ای نیز معتقدند، در تعریف هوش فقط به جنبه های شناختی توجه شده است و سایر ابعاد هوش مثل خلاقیت و هوش عملی و میان فردی نادیده گرفته شده است (سانتراک، ۱۳۸۵). پژوهش های متعددی بر نقش هیجان ها در تعامل های اجتماعی، شناخت خود و دیگری، منش فردی و لیاقت های اجتماعی تأکید دارند. به این انواع هوش مطرح شد که بر عوامل غیرشناختی تکیه دارند. یکی از انواع هوش، هوش هیجانی است که در سال ۱۹۹۰ برای اولین بار توسط «سالوی» و «مایر» دو نفر از روان شناسان آمریکایی معرفی شد. از نظر آنها عواطف و شناخت مستقل از یکدیگر نبوده؛ بلکه دو توانایی وابسته به یکدیگر هستند (گیتونی، ۱۳۸۵). بنابراین هوش هیجانی موضوعی است که سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان ها، احساسات و توانمندی های انسان دارد (حسن زاده، ۱۳۸۶). هوش هیجانی را توانایی درک و فهم عواطف به منظور ارزیابی افکار و خلق و خو و تنظیم آنها به گونه ای که موجب تعالی و رشد عقلی و عاطفی گردد تعریف کرده اند (گلمن، ۱۳۸۰). بنابراین توسعه و رشد هوش هیجانی یک عنصر کلیدی در یادگیری و تدریس محسوب می شود و اگر دانش آموزان بتوانند این ویژگی را کسب کنند اولین گام در جهت کنترل و هدایت هیجانهای خودشان برداشته و می توانند موانع تضعیف کننده عملکرد را از بین بردارند (آقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۵). چنان که از نظر "بار-آن" مفهوم هوش هیجانی را می توان در موفقیت های آموزشی مدارس و

دانشگاه ها برای کمک به روان‌شناسان مدارس و مشاوران در شناسایی دانش‌آموزانی که نمی‌توانند به طور مؤثر با نیازهای تحصیلی‌شان که ممکن است به اخراج از مدرسه یا احتمالاً مشکلات عاطفی بیانجامد بکار برد (رحیم‌زاده، ۱۳۸۷). بنابراین در کل پیشرفت اجتماعی و حتی تحصیلی دانش‌آموزان صرفاً به هوش عقلی مرتبط نیست، بلکه تحت تاثیر هوش هیجانی نیز می‌باشد.

به واسطه چنین تعاریف، ویژگی‌ها و ابعاد تاثیرگذار هوش هیجانی و با در نظر گرفتن دوران نوجوانی که شخصیت دوران جوانی و بزرگسالی و زندگی اجتماعی در حال شکل‌گیری است این مساله اهمیت دارد که عوامل تاثیرگذار بر هوش هیجانی به منظور مداخلات رفتاری مؤثر شناخته شود. در همین راستا، یکی از رویکردهای مهم در توجه به کل ابعاد روانشناختی افراد، ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد. اساساً روانشناسان، شخصیت را سازمان پویایی از سیستم‌های روان‌تنی فرد که رفتارها و افکار خاص او را تعیین می‌کند تعریف می‌کنند که امکان پیش‌بینی آنچه را که فرد در موقعیت خاص انجام خواهد داد را نشان می‌دهد (شولتز، ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد شخصیت افراد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی آنها باشد. از نظر گلمن شخصیت افراد ترکیب درستی از عقل و دل است و معمولاً سمبل عقل، بهره‌هوشی و سمبل دل، هوش هیجانی است، اما به لحاظ فرهنگی آموخته‌ایم که به هیجانات خودمان همانند هیجاناتی که اطلاعات درست ذهن را تعریف می‌کند اعتماد نکنیم. حتی گاهی واژه هیجان، بیانگر یک شخصیت ضعیف است و به کسی اطلاق می‌شود که قادر به کنترل خویش نبوده یا حتی رفتاری کودکانه یا ابلهانه دارد (آقایار و شریفی در آمدی، ۱۳۸۵). اساساً عوامل شخصیتی نوروزگرایی که با توانایی خلقی و روانی بهنجار مرتبط است و همچنین برونگرایی که بعد توانایی‌های اجتماعی و ارتباطی را نشان می‌دهد می‌تواند با سازه هوش هیجانی مرتبط باشد.

از آنجائی که هوش هیجانی به توانایی درک و فهم عواطف به منظور ارزیابی افکار و خلق و خو و تنظیم آنها مربوط می شود (گلمن، ۱۳۸۳) لذا داشتن سلامت روانی برای فرد مهم است چرا که با داشتن درکی درست از هیجان خود، به خودتنظیمی بهینه نیز پردازد. از طرفی داشتن سلامت روانی خود نشانگر، مهارت روانشناختی سازگار در فرد تلقی می شود که به پایش خود می انجامد. به طوری که از نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهان سلامت فکر و روان به قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصیتی بطور منطقی، عادلانه و مناسب مربوط می شود (میلانی فر، ۱۳۸۶). مرور پژوهش های انجام شده، متناسب با این مبانی نظری در پیوند ویژگی های شخصیت و سلامت روانی با هوش هیجان به درک بهتر کمک می کند.

پژوهش ها درباره تاثیر ویژگی های شخصیت و سلامت روانی بر هوش هیجانی نشان می دهد که عوامل شخصیتی می تواند بر هوش هیجانی موثر باشد. چنان که پژوهش های انجام شده توسط (پترایدز و فارنام، ۲۰۰۱، داداوهارت، ۲۰۰۰، ساکلوفسک، آستین ۲۰۰۳؛ شاته و همکاران، ۱۹۹۸) نشان می دهند برونگرایی و نوروزگرایی با هوش هیجانی همبستگی معنی دار قوی نشان داده اند، اما تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی رابطه ای ضعیفی با هوش هیجانی داشتند. همچنین پژوهش (کامورو و همکاران، ۲۰۰۷) نشان داد که هوش هیجانی با چهار عامل شخصیت یعنی برونگرایی، انعطاف پذیری، باوجدان بودن و دلپذیر بودن رابطه مثبت و در مقابل با نوروزگرایی رابطه منفی دارد. اما در مقابل برخی پژوهش هایی نیز وجود دارند که نشان می دهد رابطه معنی دار و قابل توجهی بین هوش هیجانی و عوامل پنجگانه شخصیت وجود ندارد (مانند باستین^۱، ۲۰۰۵؛ براکت^۲، ۲۰۰۴؛ لوپز^۳، ۲۰۰۳).

1-Bastian
2-Bracket
3-Lopes

پژوهش های که به نقش ابعاد مختلف سلامت روانی با هوش هیجانی پرداخته اند به نتایج مفیدی دست یافته اند. چنان که مشخص شده است افسردگی با هوش هیجانی رابطه دارد و افرادی که از افسردگی بالاتری برخوردارند، هوش هیجانی پایین تری دارند (هماتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). بررسی های سلاسکی و کارت رایت (۲۰۰۲) نیز نشان داد که بین استرس، سلامت عمومی، بهزیستی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. آنها معتقدند که یافته هایشان حاکی از نقش مهم هوش هیجانی در تعدیل فرایند استرس و افزایش انعطاف پذیری فرد است. همچنین در مطالعه اوگینسکا-بولیک^۲ (۲۰۰۵) مشخص شده است که افراد دارای هوش هیجانی بالاتر، استرس کاری و مشکلات سلامتی کمتری دارند. از نظر آنها هوش هیجانی نقش پیش گیری کننده ای در مشکلات سلامتی و بویژه افسردگی دارد. افراد دارای سطوح بالای هوش هیجانی با توانایی مقابله بهتر با استرس، بیان هیجانات، مدیریت و کنترل بهتر هیجان مشخص می شوند. پژوهش سیاروچی و همکاران (۲۰۰۲) حاکی از تاثیر هوش هیجانی در تعدیل استرس و متغیرهای بهداشت روانی است. همچنین فرشمن و روبینو^۳ (۲۰۰۴) نشان داده اند که مهارت های هوش هیجانی برای حفظ شبکه های اجتماعی در سازمان های مراقبت بهداشتی موثر است. از این رو در نظر گرفتن هوش هیجانی با توجه به ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی شناخت خوبی از وضعیت هوش هیجانی ارائه خواهد داد.

از یک طرف وجود یافته های متناقض ارتباط عوامل شخصیتی و هوش هیجانی و از طرف دیگر، پژوهش های اندک درباره تاثیر سلامت روانی بر هوش هیجانی که متناسب با نظریه سلامت روانی گلدبرگ (پرسشنامه GHQ) باشد، موجب

1-Hemati & Cartwright

2-Oginiska-Blik

3- Freshman & Rubion

گردید تا در این تحقیق ضمن توجه به تناقض یافته های قبلی و همچنین بررسی نقش سلامت روانی بر هوش هیجانی متناسب با دیدگاه گلدبرگ صورت گیرد. بدین ترتیب این تحقیق با هدف تعیین رابطه ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی بر هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه دبیرستانهای تبریز صورت گرفته است و به بررسی این فرضیه می پردازد که بین ویژگی های شخصیتی (برونگرایی، روان رنجور خویی، دلپذیر بودن، باوجدان بودن، انعطاف پذیری) و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. بین سلامت روانی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق جامعه آماری

در این تحقیق جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر تبریز که در سال تحصیلی ۱۳۸۸ مشغول تحصیل می باشند. تعداد کلاس ها ۱۵۸ و تعداد دانش آموزان ۸۰۴۵ نفر است.

روش نمونه گیری و حجم نمونه

برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده شد. در مرحله اول از کلیه نواحی ۵ گانه تبریز که ۱۵۸ مدرسه دخترانه است از هر منطقه ۲ مدرسه بصورت تصادفی مشخص شد و در کل تعداد مدرسه های مشخص شده از ۵ ناحیه ۱۰ مدرسه شد. بعد از این مدارس یک کلاس بطور تصادفی انتخاب و تست های لازم اجرا گردید.

حجم نمونه با در نظر گرفتن $P=0/5$ و دقت $0/95$ با استفاده از فرمول:

$$n = \frac{(t^2 pq)}{d^2} = \frac{[1/96^2 (0/5 \times 0/5)]}{0/06^2} = 266$$

محاسبه شد. اما چون درست در هفته اول مهرماه پرسشنامه‌ها اجرا شد تعداد دانش‌آموزان حاضر در کلاسها کمتر بود بنابراین در حجم نمونه آزمودنی ۲۱۹ نفر شد و ۴۲ پرسشنامه بخاطر ناقص پر شدن حذف شد که در نهایت نمونه مورد مطالعه ۱۷۷ نفر شد. پژوهشگران در بررسی‌های همبستگی حجم نمونه‌ای معادل ۱۰۰ نفر یا بیشتر را کافی می‌دانند (دلاور، ۱۳۷۷).

ابزار اندازه‌گیری

الف- پرسشنامه شخصیتی نئوفرمت کوتاه (NEO-FFI)

پرسشنامه NEO-FFI است که در سال ۱۹۸۵ توسط پاول تی کاستا و مک کری تهیه شده است. NEO-FFI یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است و برای ارزیابی پنج عامل شخصیت (برونگرایی، روان رنجور خویی، دلپذیر بودن، باوجدان بودن، انعطاف پذیری) بکار می‌رود. پاسخ نامه این تست از کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافقم تنظیم شده است که در بعضی از سوالات اگر آزمودنی گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کند نمره صفر و از گزینه‌های بعدی به ترتیب از راست به چپ نمرات ۱، ۲، ۳، ۴ را می‌گیرد و در برخی از سوالات گزینه کاملاً مخالف نمره ۴ و گزینه‌های بعدی به ترتیب از راست به چپ نمرات ۳، ۲، ۱ را می‌گیرند. برای هر یک از این پنج عامل شخصیتی ۱۲ آیتم در این تست وجود دارد (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). شارون و دیگران، ضریب پایانی ۸۶٪ برای روان رنجور خویی، ۷۷٪ برای برونگرایی، ۷۳٪ برای انعطاف پذیری، ۶۸٪ برای تجربه گرایی و برای با وجدان بودن یا وظیفه شناس گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ توسط واین و دیگران بدین ترتیب است $A=0/89$ ، $C=0/60$ ، $N=0/74$ ، $O=0/76$ در ایران نیز ضریب پایایی بدست آمده برای عوامل N.E.O.A.C به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (گروسی، ۱۳۸۰).

ب- مقیاس هوش هیجانی سیبریاشرینگ

این مقیاس یک آزمون ۳۳ سئوالی است که بوسیله شاته و همکاران براساس مدل هوش هیجانی سالوی و مایر ساخته شده است سوالهای آزمون در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره یک (کاملاً مخالف) تا نمره پنج (کاملاً موافق) می‌سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مولفه بیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی بدست می‌دهد که دامنه آن بین ۳۶ تا ۱۶۵ متغیر است. همسانی درونی سوالهای آزمون برحسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس در مورد یک نمونه ۲۸ نفری از دانشجویان به فاصله دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شده اعتبار مقیاس هوش هیجانی نیز از طریق سنجش همبستگی آن به سازه‌های مرتبط، کافی گزارش شده است. در فرم فارسی این مقیاس آلفای کرونباخ پرسشهای مقیاس در مورد یک نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانه همسانی درون خوب آزمون است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از نمونه مذکور در دو نوبت با فاصله دو هفته ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس می‌باشد (بشارت، ۱۳۸۶).

ج- پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ)

پرسشنامه سلامت عمومی توسط کلدبرگ و هیلر تدوین شده است، استفاده شد. این پرسشنامه به منظور شناسایی اختلافات روانی غیر روان گسیخته ابداع شده است. در جمعیت عادی برای تشخیص اختلالات روانی ضعیف از این پرسشنامه استفاده شده است. کاربرد وسیع این پرسشنامه منجر به این شد که به ۳۶ زبان زنده دنیا ترجمه شود. این پرسشنامه حاوی ۲۸ سوال در مقیاس‌های چهارگانه نشانه‌های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و علائم افسردگی می‌باشد. در این آزمون از آزمودنی خواسته می‌شود تا براساس یک مقیاس چهار درجه‌ای به سوالات پاسخ دهد. کل نمره‌ها ۸۴ است و نقطه برش بالای ۲۱ است که افراد

مشکل دار تشخیص داده می شود. پایایی آزمون از طریق الفای کرونباخ محاسبه شده که ضرایب بدست آمده برای خرده مقیاس های نشانه های جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی، افسردگی و مقیاس کلی سلامت روانی به ترتیب عبارتست از: ۰/۷۷، ۰/۷۷، ۰/۴۸، ۰/۸۵، ۰/۹۰ می باشد (نقل از حسینی نسب، ۱۳۸۷).

روش آماری

به منظور بررسی رابطه ویژگی های شخصیت و هوش هیجانی دانش آموزان از روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته ها

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره (۱) ملاحظه می گردد که میانگین هوش هیجانی دانش آموزان مورد مطالعه ۱۰۵/۲۹، با انحراف استاندارد ۱۰/۷ می باشد. به طوری که حداقل نمره هوش هیجانی ۷۶ و حداکثر ۱۳۲ می باشد. در واقع میزان هوش هیجانی دانش آموزان مورد مطالعه کمی بیشتر از حد متوسط است.

براساس جدول شماره (۱) نمره میانگین سلامت روانی ۲۲/۳۸ با انحراف استاندارد ۹/۹۲ و چولگی ۰/۶۴ می باشد. در پرسشنامه (GHQ) هر چه نمره سلامت روانی در دامنه نمره (۰-۲۱) باشد سلامت روانی نرمال است و هر چه از این میزان بالا تر رود از میزان سلامت روانی کاسته می شود. بنابراین همانگونه که در نمودار نیز ملاحظه می شود بیشترین فراوانی در نمره های ۱۵-۲۵ است در نتیجه می توان گفت تقریباً میزان سلامت روانی دانش آموزان دختر تبریز کمتر از حد متوسط است.

براساس اطلاعات مندرج در جدول (۱) نمره میانگین نوروژ گرایبی ۲۴/۴۷ با انحراف استاندارد ۶/۸۶ می باشد. به طوری که حداقل نمره ۱۰ و حداکثر نمره ۴۵ می باشد. نمره میانگین برونگرایی ۲۹/۲۹، با انحراف استاندارد ۶/۰۲ است. به

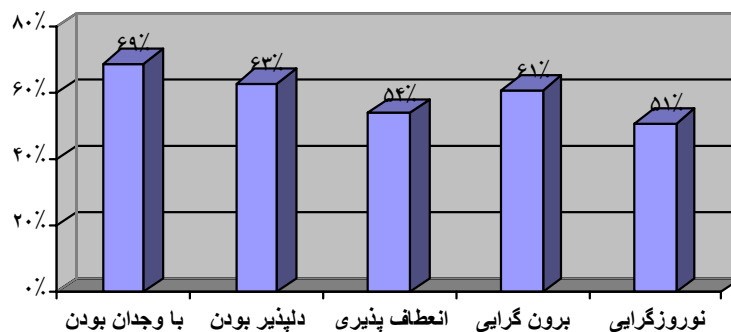
طوری که حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۳ می باشد. نمره میانگین انعطاف پذیری ۲۶/۱۴ با انحراف استاندارد ۳/۷۱ است به طوری که حداقل نمره ۱۸ و حداکثر نمره ۳۷ می باشد. نمره میانگین دلپذیر بودن ۳۰/۲۳ با انحراف استاندارد ۴/۸۶ می باشد به طوری که حداقل نمره ۱۷ و حداکثر نمره ۴۲ است. نمره میانگین با وجدان بودن ۳۳/۱۵ با انحراف استاندارد ۵/۸۱ می باشد به طوری که حداقل نمره ۱۶ و حداکثر نمره ۳۲ می باشد.

طبق نمودار (۱) میزان نوروز گرایی ۵۱٪ و در حد متوسط می باشد. میزان برونگرایی ۶۱٪ و کمی بیش از حد متوسط می باشد. میزان انعطاف پذیری در حد ۵۴٪، میزان دلپذیر بودن در حد بالای متوسط و ۶۳٪ و میزان با وجدان بودن دانش آموزان در این پژوهش بالای متوسط و حدوداً ۶۹٪ می باشد.

آزمون اسمیرنوف کولموگروف جهت تشخیص نرمال بودن توزیع پراکندگی سازه‌های مورد مطالعه نشان داد که وجدان گرایی در سطح معنی داری ۰/۰۱ و سایر سازه‌ها در سطح ۰/۰۵ نرمال هستند.

جدول شماره (۱) توزیع پراکندگی ویژگی‌های شخصیتی و هوش هیجانی

مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
نوروز گرایی	۲۴/۴۷	۶/۸۶	۰/۴۷	۱۰	۴۵	۱۷۷
برونگرایی	۲۹/۲۹	۶/۰۲	-۰/۶۳	۸	۴۳	۱۷۷
انعطاف پذیری	۲۶/۱۴	۳/۷۱	۰/۱۸	۱۸	۳۷	۱۷۷
دلپذیر بودن	۳۰/۲۳	۴/۸۶	-۰/۰۶	۱۷	۴۲	۱۷۷
با وجدان بودن	۳۳/۱۵	۵/۸۱	-۰/۲۶	۱۶	۳۲	۱۷۷
هوش هیجانی	۱۰۵/۲۹	۱۰/۷	-۰/۰۶	۷۶	۱۳۲	۱۷۷
سلامت روانی	۲۲/۳۸	۹/۹۲	۰/۶۴	۴	۵۱	۱۷۷



نمودار شماره (۱) توزیع پراکندگی ویژگی های شخصیتی دانش آموزان دختر شهر تبریز

همان طوری که در جدول (۲) ملاحظه می شود نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی (نوروز گرایی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن) و هوش هیجانی نشان داد که رابطه منفی بین هوش هیجانی و نوروز گرایی ($P=0/000, r=-0/75$)، رابطه مثبت بین هوش هیجانی و برون گرایی ($P=0/000, r=0/38$) است. همچنین طبق جدول همبستگی بین هوش هیجانی و دلپذیر بودن معنی دار نبود. همچنین رابطه بین هوش هیجانی و انعطاف پذیری نیز معنی دار نبود. بین سلامت روانی و هوش هیجانی همبستگی مثبت معنی داری وجود داشت ($P=0/000, r=0/77$).

جدول شماره (۲) ضریب همبستگی پیرسون بین هوش هیجانی و ویژگی های شخصیتی

عوامل متغیر	نوروز گرایی	برون گرایی	انعطاف پذیری	با وجدان بودن	دلپذیر بودن	سلامت روانی
هوش هیجانی	-۰/۷۵	۰/۲۷	-	۰/۳۸	-	۰/۷۲
معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۱۶	۰/۰۰۰

به منظور تبیین میزان هوش هیجانی براساس مجموع متغیرهای معنی دار از رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد. که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۳) ملاحظه می شود که در مجموع ۳ متغیر در شکل رگرسیونی باقی ماندند که طبق رگرسیون چند گانه به روش گام به گام به ترتیب نوروز گرایی در گام اول، سلامت روانی در گام دوم و با وجدان بودن در گام سوم می توانند هوش هیجانی را تعیین کنند که در کل $R^2 = 0/62$ ضریب تعیین خالص) می باشد یعنی در مجموع ۳ متغیر به میزان ۶۲ درصد می تواند هوش هیجانی را تعیین کند و ۳۸٪ یا موضوع تحقیق نبوده و یا از چشم محقق پنهان مانده است (۳۸ درصد غیر قابل تعیین می باشد).

همچنین در جدول ANOVA (۴) با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و مقدار $F=96/93$ می باشد یعنی جهت فلش یک طرفه می باشد. همچنین در جدول شماره (۵) ملاحظه می گردد پس از استاندارد نمودن و با حذف مقدار α ، نوروز گرایی بیشترین تاثیر منفی با $\beta_1 = -0/439$ و سلامت روانی با $\beta_2 = -0/342$ و در نهایت با وجدان بودن $\beta_3 = 0/128$ در کل بیشترین تاثیر را در تعیین هوش هیجانی دانش آموزان دارند. (توجه به این نکته ضروری است که علت منفی آمدن β_2 مربوط به پرسشنامه GHQ است که در آن هر چه نمره سلامت عمومی کمتر باشد فرد دارای سلامت روانی بیشتری است بنابراین در اصل β_2 تاثیر مثبت در تعیین هوش هیجانی دانش آموزان دارد).

جدول (۳) ضریب همبستگی چند گانه برای هوش هیجانی

شکل	ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص	اشتباه معیار بر آورد
۱	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۵۶	۷/۱۴
۲	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۰	۶/۷۴
۳	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۶۲	۶/۶۳

جدول (۴) تحلیل و اربانس برای آزمون معنی داری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
رگرسیون	۱۲۷۹۷/۶۵۸	۳	۴۲۶۵/۸۸۶	۹۶/۹۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۷۶۱۳/۰۶۵	۱۷۳	۴۴/۰۰۶		
کل	۲۰۴۱۰/۷۲۳	۱۷۶			

جدول شماره (۵) ضرایب متغیرهای باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

ردیف	ترتیب ورود متغیرها در شکل	ضرایب خام		ضرایب استاندارد شده	t	Sig
		B	خطای معیار	Beta		
۱	مقدار ثابت	۱۳۴/۰۷۵	۱/۹۹۳	-	۶۷/۲۷۳	۰/۰۰۰
	نوروز گرایی	-۱/۱۷۶	۰/۰۷۸	-۰/۷۵۰	-۱۴/۹۹۶	۰/۰۰۰
۲	مقدار ثابت	۱۳۲/۱۲۹	۱/۹۲۴	-	۶۸/۶۶۳	۰/۰۰۰
	نوروز گرایی	-۰/۷۴۲	۰/۱۱۷	-۰/۴۷۴	-۶/۳۴۱	۰/۰۰۰
	سلامت روان	-۰/۳۸۶	۰/۰۸۱	-۰/۳۵۶	-۴/۷۵۵	۰/۰۰۰
۳	مقدار ثابت	۱۲۲/۶۲۲	۴/۱۴۷	-	۲۹/۵۶۹	۰/۰۰۰
	نوروز گرایی	-۰/۶۸۹	۰/۱۱۷	-۰/۴۳۹	-۵/۸۷۵	۰/۰۰۰
	سلامت روان	-۰/۳۷۲	۰/۰۸۰	-۰/۳۴۲	-۴/۶۴۱	۰/۰۰۰
	با وجدان بودن	۰/۲۳۷	۰/۰۹۲	۰/۱۲۸	۲/۵۷۷	۰/۰۱۱

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جمع آوری شده از ۱۷۷ دانش آموز دختر، میانگین هوش هیجانی ۱۰۵/۲۹ با انحراف استاندارد ۱۰/۷ می باشد که در کل میزان هوش هیجانی آنها متوسط به بالا مشاهده شد. میانگین سلامت روانی آنها ۲۲/۳۸ و انحراف استاندارد ۹/۹۲ می باشد. بر این اساس میزان سلامت روانی دانش آموزان دختر کم تر از حد متوسط می باشد. میزان نوروز گرایی دانش آموزان در حد متوسط و ۵۱٪ می باشد. میزان برونگرایی دانش آموزان کمی بیش از حد متوسط و ۶۱٪ می باشد. میزان

انعطاف پذیری دانش آموزان در حد ۵۴٪ می باشد. میزان دلپذیر بودن دانش آموزان در حد ۶۳٪ و بالای متوسط می باشد. میزان با وجدان بودن دانش آموزان در حد ۶۹٪ و بالای متوسط است.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی (نوروز گرایی، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن) و هوش هیجانی نشان داد که بین نوروز گرایی و هوش هیجانی رابطه منفی، بین برونگرایی و با وجدان بودن با هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد که این یافته با یافته های (پترایدز و فارنام، ۲۰۰۱، داداوهارت، ۲۰۰۰؛ ساکلوفسک، آستین، ۲۰۰۳؛ شاته و همکاران، ۱۹۹۹؛ بشارت ۱۳۸۶) از این نظر که بین هوش هیجانی و برونگرایی و روان رنجورخویی همبستگی معنی دار وجود دارد همسو می باشد ولی از نظر اینکه بین هوش هیجانی با انعطاف پذیری و دلپذیری همبستگی معنی دار وجود دارد غیر همسو می باشد. در تبیین این که چرا بین عوامل شخصیتی دلپذیر بودن و انعطاف پذیری با هوش هیجانی همبستگی معنادار وجود ندارد احتمالاً چنین می توانیم استدلال کنیم که دلپذیری شامل مهربانی، تمایل به گذشت و فداکاری و انعطاف پذیری شامل کنجکاوی، خیال پردازی، نوآوری (جان، ۱۹۸۹) است که می توانند بستری مناسب برای تأثیرگذاری به سایر ابعاد شخصیت از جمله برونگرایی و با وجدان بودن فراهم سازد تا شخص از طریق آنها هوش هیجانی خود را تقویت کند و خود این ها بصورت مستقل مولفه های لازم برای تأثیرگذاری بر فرایندهای شناسایی و توصیف احساسات و تفکر را ندارند (بشارت، ۸۶).

در تبیین یافته های فوق چنین می توانیم بگوییم که برون گرایی، آمادگی فرد را برای تجربه حوادث لذت بخش افزایش می دهد و این آمادگیها می تواند به فرد کمک کند تا مخصوصاً در حوزه روابط بین شخصی و اجتماعی کارآمدتر ظاهر شود و از این طریق هوش هیجانی را تقویت کند (واتسون و کلارک، ۱۹۹۲).

ویژگی دیگر برونگرایی شامل مثبت بودن، قاطعیت و اجتماعی بودن است که نیز می توانند به سهم خود آمادگیهای فرد را در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تقویت کنند و از این طریق باعث تقویت هوش هیجانی شوند (جان، ۱۹۸۹). نوروزگرایی، آمادگی فرد را برای تجربه حوادث استرس زا افزایش می دهد (بولگر و شیلینگ، ۱۹۹۱). این ویژگیها فرد را مخصوصاً در حوزه روابط بین شخصی و اجتماعی، آسیب پذیر می سازند. بنابراین نوروزگرایی برحسب مکانیسم تضعیف هوش هیجانی امکانات فرد را برای گسترش روابط و عواطف اجتماعی محدود می سازد و تحلیل می برد. ویژگیهای دیگر نوروزگرایی شامل تمایل فرد به تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، کمرویی، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین (جان، ۱۹۸۹) نیز هر یک به سهم خود می توانند بر توانمندیهای فرد در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تأثیر بگذارند و از این طریق باعث تضعیف هوش هیجانی شوند. با وجدان بودن نیز از طریق درک و مدیریت هیجانی می تواند بر هوش هیجانی تأثیر بگذارد که به احتمال زیاد با وجدان بودن، خود کنترلی را که یکی از مؤلفه های هوش هیجانی است، منعکس می کند.

یافته دیگر این تحقیق نشان داد که بین دو متغیر (سلامت روانی و هوش هیجانی) رابطه معنی دار و منفی وجود دارد. این یافته با یافته های پژوهش های قبلی از جمله سلاسکی و کارت رایست (۲۰۰۲)، هماتی و همکاران (۲۰۰۴)، کارر (۲۰۰۴)، پارکر، تیلر و بگبی (۱۹۹۹)، لین وشوارتز (۱۹۸۷)، شوت و همکاران (۲۰۰۷)، بشارت و همکاران (۱۳۸۶)، یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) همسو می باشد. آنها در تبیین این یافته ها به نقش مهم هوش هیجانی در تعدیل فرایند استرس و افزایش انعطاف پذیری فرد اشاره می کنند و ادعا دارند که از آن می توان به عنوان تکنیک مدیریت استرس استفاده کرد. اوگینسکا-بولیک (۲۰۰۵) نشان داده است که افراد دارای هوش هیجانی بالاتر، استرس کاری و مشکلات سلامتی کمتری دارند. از نظر وی هوش هیجانی نقش به بیش گیری کننده ای در مشکلات

سلامتی و به ویژه افسردگی دارد. افراد دارای سطوح بالای هوش هیجانی با توانایی مقابله بهتر با استرس، و بیان هیجانات و نیز مدیریت و کنترل آنها مشخص می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که هوش هیجانی بالا از یک سواز طریق افزایش مهارت‌های مقابله‌ای استرس فرد را کاهش می‌دهد و بر سلامت فرد اثر می‌گذارد و از سوی دیگر مهارت‌های هوش هیجانی مهارت‌های ارتباطی و توانایی افراد را در ایجاد و حفظ شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌دهد که این امر نیز به سلامت عمومی دانش‌آموزان کمک می‌کند.

در پژوهش حاضر از طریق رگرسیون چند متغیری گام به گام نتایج حاکی از آن بود که در اولین گام نوروزگرایی با $\beta_1 = -0/439$ ، سلامت روانی با $\beta_2 = -0/342$ و در گام سوم با وجدان بودن با $\beta_3 = 0/121$ می‌توانند تغییرات مربوط به هوش هیجانی را تبیین کنند.

در تحقیقی که بشارت (۱۳۸۶) انجام داده دیده می‌شود که در اولین گام نوروزگرایی با $\beta = 0/69$ و بعد برونگرایی یا $\beta = 0/351$ قرار دارد ولی در تحقیق شافر (۱۹۹۹) عامل انعطاف‌پذیری قویترین پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی بیان شده بنابراین چون هم در تحقیق حاضر و هم در تحقیق بشارت در اولین گام نوروزگرایی قرار دارد در نتیجه پیش‌بینی تغییرات مربوط به هوش هیجانی، از طریق نوروزگرایی در جهت منفی را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد که نوروزگرایی افراد را برای تجربه هیجانهای منفی و درماندگی مستعد می‌سازد (بوگلر و شیلینگ، ۱۹۹۱). این ویژگی فرد را مخصوصاً در حوزه روابط بین شخصی و اجتماعی، آسیب‌پذیر می‌سازد در نتیجه نوروزگرایی برحسب مکانیسم تضعیف هوش هیجانی امکانات فرد را برای گسترش روابط و عواطف اجتماعی محدود می‌سازد و تحلیل می‌برد. بنابراین از روی میزان نوروزگرایی فرد می‌توان تا حدودی میزان هوش هیجانی او را تخمین زد.

با در نظر گرفتن یافته‌های بدست آمده از این تحقیق بنظر می‌رسد که توجه به نوروزگرایی، سلامت روان و با وجدان بودن رویکرد مفیدی برای مداخلات

رفتاری و پیشبرد اهداف درمانی یا آموزشی برای دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه می باشد تا بتوان هوش هیجانی آنها را ارتقاء داد.

از محدودیت های این مطالعه می توان به گروه نمونه پژوهش حاضر اشاره کرد که از دانش آموزان دختر سوم مقطع متوسطه تبریز تشکیل می دهند، لذا برای تعمیم نتایج به سایر افراد جامعه باید با احتیاط عمل شود. محدودیت دیگر استفاده از ابزار خود گزارش دهی در پژوهش حاضر است. با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق پیشنهاد می شود در سایر جوامع نیز پژوهش انجام گیرد.

همچنین کارگاه های آموزشی در جهت افزایش مهارت های هوش هیجانی در مدارس تشکیل گردد و بهتر است در محتوای دروسی مانند علوم اجتماعی و پرورشی گنجانده شود.

همچنین از آنجائیکه سلامت روانی عامل موثری در هوش هیجانی است، پیشنهاد می شود شرایط عمومی لازم جهت سلامت روانی دانش آموزان فراهم گردد.

منابع

- بشارت، م.ع. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد شخصیت و هوش هیجانی، *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، دوره ۸، شماره ۲، ص ۷۹-۹۳.
- حسن زاده، ر. (۱۳۸۶). *انگیزش و هیجان*. تهران: انتشارات ارسباران.
- حسینی نسب، د. (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با خود کار آمدی و سلامت روانی دانش آموزان. *مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی*. دوره ۹، شماره ۱، ص ۳۷-۲۱.
- دلاور، ع. (۱۳۷۷). *روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*. نشر ویرایش.
- راس، الف. (۱۳۸۲). *روان شناسی شخصیت*. ترجمه سیاوش جمالفر، ویرایش دوم. تهران: نشر روان.
- رحیم زاده، ج. (۱۳۸۷). *رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تبریز.
- سانتراک، ج. (۱۳۸۵). *زمینه روانشناسی سانتراک*. ترجمه مهرداد فیروز بحث. تهران: انتشارات رسا.

سیاروچی، ژ.، فورگاس، ژ.، مایر، ح. (۱۳۸۴). **هوش عاطفی در زندگی روزمره**. ترجمه اصغر نوری امام زاده ای و حبیب الله نصیری، اصفهان: انتشارات نوشته.

شولتز، د. (۱۳۸۱). **نظریه های شخصیت**. ترجمه یوسف کریمی. تهران: انتشارات ارسباران.

قنبری هاشم آبادی، ب.، باقری، ح. (۱۳۸۷). بررسی میزان آموزش مهارت هایی هوش هیجانی و افزایش آن در نوجوانان. **مجله پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد**. دوره ۹، شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۵۷.

کلینکه، ال. (۱۳۸۶). **مهارتهای زندگی**. ترجمه شهرام محمد خانی. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.

گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰). **رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت**. تبریز: انتشارات جامعه پژوه، نشر دانیال.

گلن، د. (۱۳۸۰). **هوش هیجانی**. ترجمه نسرين پارسا. تهران: انتشارات رشد، ص ۶۳-۳۵۶.

گیتونی، م. (۱۳۸۵). **هویت و هوش هیجانی**. ترجمه پریچهر به کیش. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

میلانی فر، ب. (۱۳۸۶). **بهداشت روانی**. تهران: نشر توس.

یعقوبی، الف.، و همکاران. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با احساس غربت و سلامت عمومی دانشجویان. **فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز**، سال ۳، شماره ۹، ص ۱۵۱-۱۳۵.

Bastian VA. (2005). Emotional intelligence, predict life skills, but not us well as personality and cognitive abilities. **Personality and Individual Differences**. 39(6): 1135-1145.

Bolger, N., & schilling, E. A. (1991). Personality and the problems of everyday Life: the role of neuroticism in exposure and reactivity to daily stressors. **Journal of personality**, 59. 355-380.

Brackett MA. (2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behavior. **Personality and Individual Differences**. 36(6): 1387-1402

Carr, A. (2004). **positive psychology, the screce of happiness and human strenyths: Brunner- Routledge**.

- Chamorro-permuzic T., Ben ett E., Forham A. (2007). The Happy personality: Mediatlional Role of Trait Emotional In telligence. **Personality and Individual differences**.
- Ciarrochi J., Frank P., Deane Stephen A. (2002), Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health, **Personality and individual difference**, 32: 197-209.
- Dawda D., Hart SD. (2000). Assessing emotional in telligence: reliability and validity of the Bar-on Emotional Quotient-Inventory in university. **Personality and Individual Differences**.
- Freshman B., Rubino L. (2004). Emotional Inteligence skills For manintaing social networks in healthcare organizations. **Hospital Topics**. Awaibal online in site: www.highbeam.com
- Hemmati T., Mills JF., roner DG. (2004). The Validity of the Bar - on Emotianl Inteligence Quotient in an offender Population. **Personality and Indinidual Differences**, 37: 695-706.
- John, O.P. (1989). Towards a taxonomy of personality descriptors. In D.M. Buss, & N. Cantor (Eds.), **personality psychology: recent trends and emerging directions** (pp.201- 271). Newyork: springer.
- Lopes PN. (2003). Emotional intelligence, personality, and the perceived quality of social relationship. **Personality and Individual Differenc**t. 35(3): 641-658.
- Oginsa-Bulik,N,(2005). Emotional in telligence in the workplace: Exploring it's effects on occupational stress and Health outcomes in human service works. **International Journal of occupational Medicine and environmental**, 18(2):75-167.
- Parker, J., taylor, G., Baghy, M., (1999). Disorders of affect regulation: alexthymia in medical and psychiatric illness. Cambridge: **Cambridge university press**.
- Petrides V., furnham A. (2002). Trait emotional intelligenve: Behavioral validation in two studies of emotion recognition and reactivity to mood induction. **European journal of personality**; 17(1): 39 – 57.

- saklofske DH., Austin EJ. (2003). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. **Personality and Individual Differences**. 34(4): 707-721.
- Schutte NS., Malouff J., Hall LE., Haggerty DJ., Cooper JT., Golden CJ., (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. **Personality and Individual Differences** 25 (2): 167-177.
- Schotte, N.S. , Malouff, J.M., Thorsteinsson, E.B., Bhullar, N. and Rooke, S.E. (2007). A Meta-analytic Investigation of Relation between Emotional Intelligence and Health. **Personality and Individual Differences**, 42,921-933.
- Shaffer AB., (1999). Relation of the Big Five and factor V subcomponents to social intelligence. **European Journal of Personality**.
- Slaski M., Cartwright S. (2002). Health, Personality and Emotional Intelligence: An Exploratory Study of Retail Managers. *Stress and Health*, 18(2): 63-68.
- Watson, D., & Clark, A. (1992). **On traits and temperament general and specific factors of emotional experience and their relation to the five factor-model** *Journal of Personality*, 60(2): 44,476.

Archive of SID